

پاورقی
<div>•••</div>
<p>گروه‌های چپ در ایران (بخش بیست و پنجم)</p> <p>فراینان تاکتیک!</p>

در قسمت پیشین اشاره کردیم که یکی از شیوه‌های ابداعی چریک‌های فدایی خلق، «ازدواج تاکتیکی» بود. اصولاً آنها به دو دلیل این تاکتیک را برگزیده بودند: نخست، سرپوش گذاشتن بر فعالیت‌های تشکیلاتی و استفاده از پوشش روابط خانوادگی برای ایجاد خانه‌های تیمی و دوم، جذب اعضای جدید برای استفاده از آنها در عملیات‌های پیش‌رو. در این میان، بودند افرادی که ناخوسته در دام چریک‌های فدایی خلق می‌افتادند و مجبور می‌شدند، با وجود نداشتن رغبت و تمایل، مسیری را که گروه فرا روی آنها قرار داده بود، طی کنند.

این ترند، بعدها، برای جذب نیرو، در سایر گروه‌های چپ گرا، مانند سازمان منافقین (مجاهدین خلق) نیز معمول شد.

■ **اختلال‌های عاطفی**

با این حال، تاکتیک‌هایی که خانواده را به ابزاری برای فعالیت‌های سازمانی و چریکی تبدیل می‌کرد، به «ازدواج تاکتیکی» محدود نشد. «محمود نادری» در کتاب «چریک‌های فدایی خلق، می‌نویسد: «در حاشیه گزارش‌های باز جویی اعضا و سمیات‌های سازمان، به خصوص آن‌جا که متهمان با پرداختن به لایه‌های روانشناسانه رفتار خود، ماهرانه می‌کوشیدند از سنگینی فشار باز جویی‌های تکنیکی و فنی بکاهند، کم نیست مواردی که نشان می‌دهد چگونه تداخل نظام انضباطی با روابط فردی، باعث اختلال در روابط عاطفی (برادر-خواهری؛ مادر- فرزند ی؛ همسری) اعضای گروه می‌شد. شاید گفته شود که این اختلال، ناشی از زندگی چریکی و امری ناخوسته و فاقد بر نامه‌ریزی بوده است و نمی‌توان آن را دستمایه نقدی بنیادی علیه سیطره نظام انضباطی بر کلیت سازمان دانست.

این سخن تا اندازه‌ای درست است؛ اما روابط قاسوسی را دستمایه پوشش‌های سازمانی کردن، نمی‌تواند فرجامی جز این داشته باشد که عوارض ناخوسته، بر ماهیت کنش سازمانی غلبه کند.

این عوارض ناخوسته، برای بعضی از اعضای چریک‌های فدایی خلق، بسیار بدفرجام بود. یکی از اعضای سازمان به نام «نزهت السادات روحی آهنگران» در این گونه فعالیت‌های نوین تاکتیکی، نقشی مهم و محوری داشت. او از یک سو، ازدواج‌های تاکتیکی را مدیریت می‌کرد و از سوی دیگر، زندگی خانوادگی اش، قربانی همین گسیختگی سازمانی شده بود.

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

ماجرای چگونگی جذب «زهر اقلهکی» به گروه چریک‌های فدایی خلق و سپس بازداشت و اعدام او توسط رژیم، یکی از ماجراهای تلخ و غم‌انگیزی است که به دلیل استفاده از شیوه «ازدواج تاکتیکی» روی داد. «زهر ا آقانی قلهکی»، دختری ساده‌دل بود که دبیرستان با «نزهت السادات روحی آهنگران» آشنا شد. «روحی» دبیر ریاضی دبیرستانی بود که «قلهکی» در آن درس می‌خواند. «زهر ا» به دلیل کمبود محبت و محدودیتی که خانواده برایش ایجاد کرده بود، سخت به «روحی» و رفتار و افکار او، علاقه‌مند شد.

«قلهکی» در اوراق باز جویی خود، در این باره می‌نویسد: «فوق‌العاده او را دوست داشتم، او برای من خدا بود. هر چه می‌گفت، حرف او بود. تمام فکر و حرفم او شده بود. یک روز اگر در مدرسه او را نمی‌دیدم، کسل بودم.» «زهر اقلهکی» خانواده‌ای سنتی و مذهبی داشت و آنها نمی‌خواستند دخترشان به چنین جریاناتی ورود پیدا کند.

اما «زهر ا» به دلیل وابستگی عاطفی، بر ادامه ارتباط با «نزهت السادات روحی آهنگران» اصرار داشت و حتی چند بار مخفیانه او را به خانه خود برد. «روحی آهنگران» که شیفتگی «قلهکی» را می‌دید، کوشید نظر او را به سازمان چریک‌های فدایی خلق و افکار مارکسیستی جلب کند. این در حالی بود که «قلهکی» اصولاً از ارتباط «روحی» با چریک‌ها اطلاع نداشت و آشنایی او با چریک‌های فدایی خلق اندک بود.

با وجود این، پدر، «قلهکی» به ارتباطات وی پی‌بر دو برای مدتی مانع تماس او با «روحی آهنگران» شد.

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

ابراهیم حشمت طالقانی
(۱۲۹۸–۱۲۶۴ ه‍.ش)



به مناسبت سالگرد قیام مردم گیلان به رهبری میرزا کوچک خان

قیامی برای رهایی از استعمار



داد که او مرد سازش با هیچ دولت و نیروی بیگانه نیست: «گمان کردید من مایلم با شماها کار کنم که می‌نویسید با رقائیان مشورت خواهید نمود، بلکه مرا بپذیرند! قطع دانید، کار کردن ما با شماها غیر ممکن است؛ زیرا عقاید شما و عملیات شما هر گونه‌زهر کشنده‌ای، کشنده‌تر است» او با صراحت، مکتب و مرام کمونیستی را، دشمن حقیقی توده‌های محروم معرفی کرد و در ادامه این نامه افزود: «رفقای شما به اسم طبقه کار گر، توده‌های محروم را غارت کردند... به گمانشان قرقا، کسبه، رنجبر و رفیق خشک و خالی خریدارانی دار، غافل از اینکه پشت بام افتاده و از انبانه‌ها چه بوده سر از بر شده... ما، به شرافت زیست کرده ایم و با شرافت مراحل انقلابی را طی کرده و با شرافت مراحل انقلابی را طی کرده با شرافت زیست کرده ایم و با شرافت مراحل انقلابی را طی کرده با شرافت خواهیم مرد.»

منابع:

سر دار جنگل؛ ابراهیم فخرایی؛ انتشارات جاویدان؛ تهران
تاریخ سیاسی معاصر ایران؛ سید جلال الدین مدنی؛ دفتر انتشارات اسلامی؛ جلد دوم



دکتر حشمت در کنار میرزا کوچک خان جنگلی

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**



میرزا کوچک خان جنگلی در کنار میرزا کوچک خان جنگلی

در و صدند، بر ایران مسلط شوند. ر هبران کمونیست شوروی می‌خواستند با نفوذ در نهضت جنگل، این حرکت استقلال طلبانه را، به وسیله‌ای برای رشد تفکرات مارکسیستی و نفوذ سیاسی و اجتماعی در ایران تبدیل کنند؛ اما میرزا که همواره از تیزبینی سیاسی خاصی برخوردار بود، فربظ‌ظاهر انقلابی کمونیست‌ها را نخورد. اومی دانست که دیریازود، کمونیست‌ها مواضع اصلی خود را آشکار می‌کنند و پس از آن، در پی حذف مبارزان راستین نهضت جنگل خواهند بود. پیش‌بینی او خیلی زود محقق شد. درست زمانی که برخی از مبارزان در گیلان، سنگ‌روس‌ها را برای مقابله با انگلیس بر سینه می‌زدند، «کراسین»، نماینده شوروی، روز پنجم خردادماه سال ۱۲۹۹ هجری شمسی، دست‌دوستان انگلیسی‌اش را در لندن فشر دو قرار دادی با آنها امضا کرد که شوروی را متعهد به عدم تقابل با انگلستان در ایران می‌کرد. «مینگل» که پیش از این، با سفر «کراسین» به لندن، به ماهیت عمل روس‌ها مشکوک شده بود، همراه یاباران وفادارش به داخل جنگل رفت و مبارزات خود را با وجود کمبود سلاح و آذوقه، در قلب جنگل‌های گیلان، پی گرفت.

■ **مبارزه تا شهادت**

مبارزات «میرزا کوچک خان» با روی کار آمدن دولت کودتا و وزارت جنگ رضاخان در کابینه سیاه، شدت پیدا کرد. شرایط سخت پیش آمده، روس‌ها را بر آن داشت تا بار دیگر از فرب و وارد شوند و شانس خود را برای فریفتن سردار جنگل بیازمایند، اما نامه «میرزا» به آنها، نشان

«میرزا کوچک خان» و یارانش، در سال ۱۲۹۳ ه‍.ش، پرچم قیام را در گیلان برافراشتند و به مبارزه با استعمارگران روس پرداختند. نبردهای پراکنده و پارتیزانی آنها علیه بیگانگان موجب شد بسیاری از جوانان گیلانی به «میرزا کوچک خان» بپیوندند. اخراج بیگانگان، هدف اصلی کمیته «اتحاد اسلام» بود که هدایت و سیاستگذاری قیام را بر عهده داشت

کوچک خان» به شهادت رسیدند و او ناچار به عقب‌نشینی شد.

■ **عقب‌نشینی به اعماق جنگل**

در همین زمان، «وثوق الدوله»، از رجال انگولفیل دوره قاجار و عاقد قرار داد ننگین ۱۹۱۹، ظاهر با درخواست انگلیسی‌ها، از «میرزا کوچک خان» درخواست کرد نیروهایش را به دولت واگذار کند و خود، راهی عتبات شود؛ اما «میرزا» این پیشنهاد را هم نپذیرفت. «وثوق الدوله» نیز «تیمورتاش» را، با ۲۰ هزار قزاق راهی گیلان کرد. به این ترتیب، «میرزا کوچک خان» نیروهای خود را به داخل جنگل‌های شرق گیلان برد و سرانجام در «فومنات» مستقر شد. در جریان این عقب‌نشینی، «حاج علی کسمایی» و «دکتر حشمت‌الاطبا»، از فعالان اصلی و تأثیر گذار نهضت، تسلیم نیروهای قزاق شدند. «دکتر حشمت‌الاطبا»، مدتی بعد در رشت اعدام شد. به این ترتیب، هر مرحله نخست قیام «میرزا کوچک خان» به پایان رسید.

■ **خیانت یاران**

قزاق‌هایی که «وثوق الدوله» به گیلان فرستاده بود، نتوانستند «میرزا کوچک خان» را دست کنند. با این حال، او یاران مطمئنی را از دست داده بود و حالا، حضور افرادی مانند احسان... خان و «خالو قربان»، باعث نفوذ هواداران کمونیسم در نهضت جنگل شده بود. «میرزا کوچک خان» در ابتدای کار، ارتباط با نمایندگان شوروی را پذیرفت، اما مدتی بعد دریافت که کمونیست‌ها در پی اهداف دیگری هستند



میرزا کوچک خان جنگلی در دوران طلبگی (سمت راست) و مبارزه (دو عکس سمت چپ)



میرزا کوچک خان جنگلی در دوران طلبگی (سمت راست) و مبارزه (دو عکس سمت چپ)

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**

■ **آغاز ماجرای زهر اقلهکی**